

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انقلاب مشروطیت ایران و تحولات آسیای میانه
با تأکید بر انقلاب اول روسیه

دکتر گلناز سعیدی

عضو هیات علمی دانشگاه

سرشناسه	: سعیدی، گلناز، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: انقلاب مشروطیت ایران و تحولات آسیای میانه با تأکید بر انقلاب اول روسیه/ گلناز سعیدی،
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه عصر، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۵ ص.
شابک	: 978-600-421-790-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر با عنوان "انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه (تحولات ایران و آسیای میانه)" توسط انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه: ص، [۲۷۵] - ۲۸۱.
عنوان دیگر	: انقلاب اول روسیه و عصر مشروطه (تحولات ایران و آسیای میانه).
موضوع	: روسیه -- تاریخ -- انقلاب، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ م.
موضوع	: Russia -- History -- Revolutaion of 1905
موضوع	: حزب کمونیست ایران
موضوع	: Communist party of Iran
موضوع	: حزب‌های سیاسی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Political parties -- Iran -- History
موضوع	: روسیه -- تاریخ -- انقلاب، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ م. -- تأثیر
موضوع	: Russia -- History -- Revolutaion of 1905 - 1907 -- Influence
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق.
موضوع	: Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909
رده بندی کنگره	: DK۲۶۳
رده بندی دیویی	: ۰۸۲/۹۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۱۱۰۵۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

انقلاب مشروطیت ایران و تحولات آسیای میانه (با تأکید بر انقلاب اول روسیه)

مؤلف: دکتر گلناز سعیدی

ناشر: اندیشه عصر

ویراستار: سیده طیبه حسینی

طراح جلد: بهاره زندی

- چاپ اول: ۱۴۰۲
- چاپ و صحافی: دیجیتال
- قطع: وزیری
- شمارگان: ۲۰۰ جلد
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۱-۷۹۰-۶
- قیمت: ۱۷۵.۰۰۰ تومان

تقدیم به پدر بزرگ عزیزم کاپیتان عباس دریاورد کاشف راه دریای
خلیج فارس به خور موس و به نقل از اسماعیل رایین در کتاب دریاورد در
ایرانیاخ کرستف کلمب بندر شاهپور و هم چنین نخستین فرانده
کشتی‌ها جنگر مظفر و پرسپولیس در دوران قاجار و پهلوی اول
یادش گرامس باد

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
فصل اول: نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵.....	۲۳
۱. ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵.....	۲۳
۲. تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، از زبان ناظم الاسلام کرمانی.....	۲۹
۳. شکل‌گیری انجمن‌های سری و احزاب سیاسی در ایران تحت تأثیر کانون‌های حزبی قفقاز.....	۳۴
۴. وضعیت باکو در آستانه انقلاب ۱۹۰۵.....	۴۳
۵. وضعیت فرهنگی ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷.....	۴۸
فصل دوم: شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران.....	۶۳
۱. احزاب سیاسی در ایران.....	۶۳
۲. انجمن‌های مخفی در عصر مشروطه.....	۷۱
۳. احزاب عامیون، اعتدالیون که تحت نفوذ احزاب سوسیال دموکرات قفقاز قرار داشتند.....	۸۳
فصل سوم: چگونگی شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه و تأثیر آن بر روند انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷.....	۹۷
شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه.....	۹۷
فصل چهارم: قرارداد ۱۹۰۷ م و تقسیم خاک ایران.....	۱۰۳
۱. قرارداد ۱۹۰۷ روسیه - انگلیس در مورد تقسیم خاک ایران.....	۱۰۳

۲. وضعیت ژاپن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم - زمینه‌های بروز جنگ ژاپن و روسیه.....	۱۱۴
۳. قرارداد ۱۹۰۲ بین ژاپن و انگلستان.....	۱۱۷
۴. جنگ ۱۹۰۴ روسیه و ژاپن.....	۱۲۰
فصل پنجم: چگونگی سانسور مطبوعات ایران ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷.....	۱۳۱
۱. سانسور در مطبوعات ایران سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷.....	۱۳۱
۲. پیدایش پروتاریای صنعتی نخستین گام‌های جنبش کارگری و تشکیل حزب بلشویک و منشویک در روسیه.....	۱۴۷
۳. انقلاب ۱۹۰۵.....	۱۶۱
۴. دیدگاه تروتسکی و لنین در انقلاب ۱۹۰۵.....	۱۷۳
فصل ششم: چگونگی تشکیل حزب کمونیست در ایران.....	۱۸۷
۱. تشکیل حزب کمونیست در ایران.....	۱۸۷
۲. تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ بر انقلاب (۱۹۰۶-۱۹۱۱) مشروطه ایران.....	۱۸۹
۳. تشکیل دولت در آسیای میانه.....	۲۱۳
۴. وضعیت آسیای میانه و قزاقستان در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷.....	۲۱۸
فصل هفتم: تاجیکستان در دوران انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷.....	۲۳۳
۱. تاجیکستان در دوران انقلاب سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷.....	۲۳۳
۲. ترکستان در آستانه انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷.....	۲۴۳
فصل هشتم: نتیجه‌گیری.....	۲۷۱
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۷۷

پیشگفتار

تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر آسیای میانه و ایران عنوان موضوع پژوهش و رساله دکترای این‌جانب است که در شورای علمی انستیتو تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان وابسته به آکادمی علوم روسیه (NAOK) در مورخه ۲۹ فوریه سال ۲۰۰۰ میلادی به تصویب اعضاء محترم شورای علمی رسید. علت انتخاب کشور جمهوری تاجیکستان برای اخذ مدرک دکتری و ادامه تحصیل و کار پژوهشی‌ام این بود که از سال‌ها پیش حس کنجکاوی شدیدی در من ایجاد گردیده بود تا برای به دست آوردن اسناد و مدارک، اولاً نقش روسیه را در روند تحولات سیاسی - اجتماعی کشورم بیابم و ثانیاً انقلاب ۱۹۰۵ روسیه (انقلاب اول) و نقش محافل سیاسی حزبی قفقاز را در انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ ایران مورد بررسی قرار دهم.

پس از مشورت با تعدادی از اساتید علم تاریخ به اتفاق، اساتید محترم کشور دوست و هم فرهنگ و هم زبان آسیای میانه و به‌ویژه آکادمی علوم تاجیکستان را معرفی نمودند.

شایان‌ذکر است که آکادمی علوم، تنها دانشگاهی است که پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، هم‌چنان سیستم دانشگاهی خود را وابسته به مسکو و روسیه حفظ نموده و در این خصوص مسئولین آکادمی تأکید زیادی دارند که از نظر

علمی این وابستگی و پیوستگی باقی بماند. نهایتاً وسایل سفر را مهیا نموده و در ژانویه سال ۲۰۰۰ به شهر دوشنبه پایتخت آن کشور عزیمت نمودم.

به پیشنهاد استاد راهنما که از طرف آکادمی تعیین گردیده بود موضوع پژوهش خود را، انتخاب کردم و در این انتخاب سعی داشتم مطلبی را برگزینم که از یک سو با روسیه که نقش بسیار مهمی در جریانات سیاسی - اجتماعی ایران داشت، انتخاب کرده و علاوه بر آن به مسائل و جریانات ایران نیز ارتباط پیدا کند، با توجه به اینکه دو انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و ۱۹۰۶ ایران، هم از نظر زمانی و هم بعد محتوایی تأثیر و تشابه بسیاری با یکدیگر داشتند، این عنوان انگیزه بیشتری را برایم ایجاد نمود. خوشبختانه موضوع رساله مورد استقبال دانشکده تاریخ، به ویژه ریاست دانشکده تاریخ، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی آکادمی قرار گرفت.

از جهت دیگر، با توجه به اینکه کشور جمهوری تاجیکستان یک کشور تازه استقلال یافته بود و درزمینه‌ی زبان، فرهنگ، دین و تاریخ با کشور ما ایران تشابه و نزدیکی داشته و دارد، انگیزه و علاقه‌ام را برای مطالعه بر روی تحولات سیاسی و اجتماعی قفقاز، ایران و نهایتاً آسیای مرکزی افزایش داد.

پس از ثبت نام در آکادمی علوم و پذیرفته شدن در مصاحبه و آزمون ورودی (زبان انگلیسی) بلافاصله کار نسخه برداری از اسناد و جمع‌آوری اطلاعات را از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین کتابخانه آسیای میانه یعنی کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه آغاز نمودم. کار جمع‌آوری اطلاعات به دو شکل انجام گرفت. ابتدا از منابع فارسی بهره‌برداری نمودم و گاهی در صورت لزوم نیز عکس‌برداری می‌کردم، سپس منابع روسی و تاجیکی را با هدایت و راهنمایی استاد راهبر مورد بررسی قرار دادم. در این مسیر با آشنایی مختصر بنده به زبان روسی و حروف سریلیک (خط تاجیکی) مطالب را گزینش و آنگاه برای ترجمه به مترجم روسی و تاجیکی سپردم.

سپس با کمک استاد راهنمایم، طرح تحقیقی که حاوی فهرست مطالب پیش فرض بود و همچنین نقشه و شکل کار را تهیه و تدارک نموده و پس از تصویب طرح پیشنهادی، از جناب ریاست دانشکده، فعالیت جدی خود را آغاز نمودم. در بازگشت به ایران از منابع زیادی که در کشور موجود بود بهره‌برداری نمودم. نخستین مرکزی

را که در ایران برای تهیه مطلب در نظر گرفتیم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه بود که اسناد و مدارک ارزشمندی را در اختیار من گذاشتند.

چندین ماه متوالی به کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مراجعه کرده و تقریباً همه منابع مربوط به قبل از انقلاب ۱۹۰۶ (مشروطیت) و پس‌از آن را مورد بررسی قرار دادم، مجموعه گران‌بهایی از نشریات و مجلات آن دوره را تورق نمودم و مطالب مربوط به موضوع تحقیق را در لابه‌لای آن‌ها یافتیم. متأسفانه اجازه عکس‌برداری داده نشد و ناچار بودم بعضی از روزنامه‌ها مثل حبل‌المتین و انجمن تبریز را با قیمت گزافی از یکی از آشنایان خریداری نمایم (نسخه دست‌نویس). چند هفته‌ای نیز به کتابخانه وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی‌رفت‌و‌آمد کردم و منابع آنجا را مورد بهره‌برداری قرار دادم و به کتابخانه دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی نیز مراجعه داشتم ولی منابع آن‌ها تقریباً تکراری بودند. در پایان تحقیق خود در تهران چندین نشست با اساتید دانشگاه‌های مختلف داشتم و در خصوص نگارش پژوهش حاضر راهنمایی‌هایی دریافت نمودم.

دومین کتابخانه مورد تحقیق و بررسی بنده در کشور تاجیکستان، کتابخانه شهر خجند^۱ بود، منابع و کتابخانه شهر پنجکنت^۲ نیز قابل توجه بود. در مدت سه هفته‌ای که در مشهد مقدس اقامت داشتم از کتابخانه آستان قدس رضوی بهره‌برداری نمودم و با چند تن از مدرسین تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان که به‌منظور شرکت در یک سمینار علمی به مشهد آمده بودند پیرامون موضوع مورد تحقیق بحث و گفتگو و راهنمایی لازم را دریافت داشتم^۳.

در یکی از سفرهایم به تاجیکستان به توصیه رایزن فرهنگی ایران به مؤسسه شرق‌شناسی شهر دوشنبه مراجعه نموده و بخشی از منابع مورد استفاده را عکس‌برداری کردم شایان توجه است که مؤسسه شرق‌شناسی تاجیکستان یکی از

۱. یکی از زیباترین و قدیمی‌ترین شهرهای تاجیکستان است که در شمال این کشور واقع شده است.

۲. یکی از شهرهای باستانی است که آرامگاه ابوعبدالله رودکی در قریه پنجرود این شهر واقع شده است.

۳. شایان‌ذکر است که برای سفر به شهر دوشنبه و تاجیکستان پرواز هواپیما تنها از طریق شهر مشهد انجام می‌شد و اقامت در این شهر از توفیقات اجباری بود.

مهم‌ترین مؤسسات آسیای مرکزی است که متأسفانه پس از استقلال این کشور و شروع جنگ‌های داخلی بسیاری از منابع ارزشمند و نسخ خطی آن به یغما رفته است. در خاتمه بجاست که از سفیر محترم ایران و دیپلمات‌های سفارت‌خانه که در شروع کار تحقیقی و ایجاد امکانات پژوهش و ایجاد تسهیلات ادامه تحصیل در شهر دوشنبه و کشور تاجیکستان مرا یاری و مدد رساندند سپاسگزاری نمایم. امید است تلاش‌های انجام شده مورد پذیرش و تأیید استادان محترم و دانش‌پژوهان کشور دوست و هم‌فرهنگ و هم‌زبان تاجیکستان و کشور عزیزم ایران قرار گیرد.

زمستان سال ۱۳۷۹ هـ ش ۲۰۰۱ م.

گلناز سعیدی

مقدمه

انقلاب سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روسیه نخستین انقلاب متأثر از اهداف انقلاب کبیر فرانسه بود. این انقلاب هرچند ناموفق بود، اما در تحولات و پیشرفت آینده روسیه تأثیر بسزایی داشت. عده زیادی از مردم را به خلاقیت آگاهانه انقلابی برانگیخت و آنان را به تجربه سیاسی بزرگی مجهز ساخت.

انقلاب ۱۹۰۵ این امر را خاطر نشان ساخت که تنها مبارزه مردم ستم‌دیده می‌تواند سلطنت پوسیده تزاری را براندازد.

انقلاب چهره تمام طبقات و احزاب را در عمل نشان داد و تمایلات، نقش و اهمیت آنان را در کشور آشکار ساخت. انقلاب، آشکارا ثابت نمود که وحدت و نقش مردم مهم‌ترین شرط پیروزی است. محافل سیاسی و آکادمیک روسیه اعتقاد دارند که پرولتاریا برای نخستین بار به‌عنوان پیشوا و سرکرده انقلاب بورژوا - دموکرات در صحنه تاریخ ظاهر شد و رهبری گروه‌های مردم را از دست بورژوازی لیبرال درآورد. انقلاب اول روسیه که در تاریخ دیپلماسی جهان به انقلاب تروتسکی شهرت دارد، شکل‌ها و شیوه‌های نوینی از مبارزه را پدید آورد که در انقلاب‌های گذشته بی‌سابقه بود زیرا برای نخستین بار حرکت سیاسی مردمی به‌منظور تبدیل آن به مبارزه مسلحانه در این انقلاب بکار بسته شد. شوراهای نمایندگان کارگری که در جریان انقلاب به وجود آمدند، نه تنها ارگان قیام مسلحانه، بلکه همچنان شکل جنینی دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان بودند، کارگران و دهقانان اوکراین، بلو روسی، لهستان، نواحی سواحل بالتیک، ماوراء قفقاز، آسیای میانه (بخارا، خیوه، خقند) و سایر مناطق

روسیه در تمام مدت انقلاب، دوش‌به‌دوش کارگران و دهقانان روس علیه تزاریسیم و زمین‌داران مبارزه می‌کردند. جنبش‌های پی‌درپی انقلابی در روسیه تزاری، به نهضت اجتماعی و سیاسی توده‌های مسلمان مشرق زمین کمک‌های شایانی نمود.

انقلاب اول روسیه در ایران نیز تأثیر عظیمی بجا گذاشت، در میان حوادث شگرفت تاریخی ملت ایران، جنبش مشروطیت در سال ۱۹۰۶ جایگاه برجسته‌ای دارد! این انقلاب حق دارد به‌مثابه نقطه تحول واقعی در حیات ملت ایران تلقی گردد، زیرا در جریان این انقلاب، ملت ما بر استبداد قرون‌وسطایی خود کامگان فائق آمد.

مردم قیام می‌کنند و با دشمنان داخلی و خارجی مبارزه می‌کنند، قربانی می‌دهند و پیش می‌روند. ولی به علت عدم آگاهی به سیر تحولات بین‌المللی، نداشتن تشکیلات رهبری کننده، فراموش کردن سنن انقلابی و درنهایت، خیانت گروهی به روحانیون، رشته نهضت را در دست گرفتند و انقلاب از جاده و مسیر اصلی خود منحرف و سردرگم شده و نتایج لازم را به دست نیاورد.

انقلاب مشروطیت ایران از لحاظ ماهیت یک انقلاب بورژوازی، مثبت، با علائق دینی بوده و در صورت پیروزی و تحکیم آن نمی‌توانست غیر از آزادی‌های بورژوازی خیری برای ملت به ارمغان آورد. در سده نوزدهم، رشد شهرها و افزایش کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را همراه با تمرکز بزرگ نیروی کارگری می‌بینیم، تجارتخانه‌ها و شرکت‌های بازرگانی پدید می‌آیند، نیروهای تازه اجتماعی نیز آشکار می‌شوند. لایه‌های نوخاسته شهرها، پدیدآورندگان اساسی آرمان‌های روشنگری و ایدئولوژی ناسیونالیسم بورژوازی می‌شوند و از نیمه دوم سده نوزدهم بود که روحانیت شهرها، با تلاشی بیشتر در مبارزه سیاسی مداخله کرد و کوشید ایدئولوگ‌های برخی نهضت‌های مردمی باشد. شورش با بیان نهضت علیه انحصار تنباکو و سرانجام انقلاب بورژوازی ایران بزرگ‌ترین نهضت‌های مردمی ملت ایران در اعتراض به اسارت ایران به دست کشورهای سرمایه‌داری اروپا، بهره‌کشی فئودالی و ستم و زورگویی خاندان شاهی بود. انقلاب سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روس، به اعتلای نهضت انقلابی در ایران در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ (انقلاب مشروطیت) کمک شایانی نمود.

انقلاب سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ دارای ویژگی‌های ضد زمین‌داری، ضد استعماری، ضد استبدادی، علیه خودکامگی و فرمانروایی انحصارهای بیگانه بود.

دهقانان، بورژوازی خرد و میان‌حال شهرها و نیز طبقه کارگر که در آن هنگام تشکل یافته بود و نیروی محرکه این انقلاب و ملاکان ایران و بورژوازی بزرگ، سرکرده آن بودند و در نهایت روحانیون در هدایت انقلابی مردم نقش بسزایی داشتند. در پی رخداد‌های انقلابی بود که در سال ۱۹۰۶ مجلس در کشور پدید آمد و در آن قانون اساسی که قدرت شاه را محدود می‌کرد تصویب و برخی اصلاحات اعلام شد.

اما این انقلاب دگرگونی‌هایی نمایان در ساخت اجتماعی - اقتصادی ایران پدید نیاورد، مسئله زمین را که برای دهقانان کشور مهم‌تر از هر چیز بود، حل نکرد و می‌توان گفت که مناسبات زمین‌داری را همچنان از تعرض مصون نگاه داشت. باین‌همه، این انقلاب نشانی ژرف در زندگی مردم برجای گذاشت، آگاهی سیاسی جامعه را بیدار کرد و آنان را به مبارزه علیه خودکامگی زمین‌داران و امپریالیست‌های بیگانه که در کشور فعال مایشاء بودند برانگیخت و مجلس نیز پس از سرکوبی انقلاب بکار خود ادامه داد.

اما، حکومتی که در پی نهضت مشروطه‌خواهی پدید آمده بود، توان آن را نداشت که به انجام اصلاحات اجتماعی - سیاسی ادامه دهد و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را از میان بردارد. سرمایه‌داری بیگانه با پشتیبانی از دودمان فرمانروای قاجار که تکیه‌گاه فئودالیسم بود، به نگاهداری نظام فئودالی در ایران یاری می‌کرد. در حقیقت، انقلاب روسیه در زندگی مردم آسیا همان نقشی را بازی کرد که انقلاب کبیر فرانسه در زندگی کشورهای اروپایی داشت و مطبوعات داخلی و خارجی نقش سرنوشت‌سازی در آگاهی مردم ایفا نمودند. در همه‌جا نمایش علیه شاه و اطرافیانش بر پا بود. در تمام کشور شعار «زنده‌باد مشروطه» بگوش می‌رسید؛ و در این اعتصابات، عموم روحانیون پایتخت شرکت داشتند.

اردوی مشروطه‌خواهان از سه عنصر تشکیل شده بود:

۱- انقلابیون قفقاز؛

۲- فدائیان ایرانی که از رشت و قزوین و نقاط شمالی ایران جمع شده بودند

۳- کوهستانی‌های جنوب ایران (بختیاری‌ها) و ارتجاع روس و انگلیس چشم دیدن انقلابیون ایرانی را نداشتند.

در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ انقلابیون قفقاز نقش عمده‌ای در ایران بازی کرده‌اند. آنان پس از بمباران مجلس به دست لیاخوف به ایران آمده و در برابر اتحاد شاه ایران با تزار روس، جبهه متحد قفقاز و ایرانی را تشکیل داده‌اند. سوسیال دموکرات‌های قفقاز در دفاع از تبریز و تصرف تهران در تمام حوادث بعدی انقلاب ایران، نقش حقیقتاً مؤثر و بزرگی بازی کرده‌اند.

جریده «شرق» چاپ تهران، در پاسخ به این سؤال که در مبارزه علیه تجاوزات روس و انگلیس در ایران چه کسانی می‌توانند به کمک ایران بشتابند؟ چنین می‌نویسند: (۱۸ ژوئن سال ۱۹۱۰) «متفق جدی ایران مظلوم، ملت قهرمانی است که در راه آزادی، قربانیان بی‌شماری داده است. اگر رنجبران روسیه بتوانند شرایط بهتری برای زندگی خود تأمین کنند، نه تنها در حرکتی در زندگی آرام و خاموش ایران پیش می‌آید، بلکه در افغانستان و تبت و چین و هندوستان نیز بر پیکر ارتجاع ضربت مهلکی وارد خواهد آمد.» استبداد پادشاهان، خیانت و بی‌عرضگی خان‌ها و شاهزادگان قاجار، ایران را که روزی مقام شایسته‌ای در جهان داشت، به پرتگاه نیستی نزدیک کرد. تقسیم کشور به مناطق نفوذ خان‌ها و ملاکان بزرگ، مانع رشد و توسعه محصولات شد و بازرگانی به دست بیگانگان افتاده بود. سرمایه خارجی به گونه‌ای ایران را غارت کرد که اهالی به دودسته جدا از هم، خان، ملاک، جاهل، فاسد و اردوی بزرگ مردم فقیر گرسنه و تحت فشار تبدیل شد.

در سال ۱۹۰۶، مظفرالدین شاه، همچون امپراتور روس دست‌وپای خود را گم کرده و به «اعطای» مشروطیت مبادرت ورزید.

با فرمانروایی مجدد ارتجاع در روسیه، مظفرالدین شاه درگذشت و شاه جوان (محمدعلی) به کمک لیاخوف علیه مشروطه قد علم کرد، ولی شور و هیجان مردم از بین نرفته جلسات مجلس در سال ۱۹۰۷ مرتباً تشکیل شد.

تبریز برای خود انقلابیون بنامی داشت: قریب حسین (باغبان)، ستارخان (دلالت اسب) و باقر خان (سنگتراش) نمایندگان متواری مجلس تخریب شده و اعضای تشکیلات انقلابی ایران به استانبول و قفقاز روی آوردند. کمیته مرکزی انقلاب ایران در شهر استانبول تشکیل شد، انقلابیون مخصوصاً سوسیال دموکرات‌ها به مردم ایران کمک‌های جدی نمودند و حوادث ایران را با کمال دقت تحت مراقبت گرفته و گروه امدادی برای یاری انقلابیون تبریز تشکیل دادند.

کمک انقلابیون قفقازی روح تازه‌ای در کالبد آزادیخواهان ایران دمید، اولین دسته سوسیال دموکرات‌ها از تفلیس با راه‌آهن به جلفا واقع در مرز ایران اعزام شده و با احتیاط کامل از ارس عبور کردند. باآنکه عبور از این منطقه شدیداً تحت نفوذ جاسوسان تزاری بود و کاری فوق‌العاده مشکل بود، ولی نهایتاً این گروه خود را به تبریز رسانده و زیر پرچم ستارخان به عملیات قهرمانانه‌ای پرداختند، در آن دوران، باآنکه ایرانیان خبری از مواد منفجره نداشتند، ولی به‌کارگیری این مواد و حتی بمب را تجربه کردند. حیدر خان عمو اوغلی از همان مهاجران قفقاز بود که فن بمب‌سازی را در میان ایرانیان متداول کرد.

انقلابیون، مخصوصاً مسلمانان از نقاط مختلف قفقاز به سمت تبریز روانه می‌شدند. آن‌ها کاملاً مجهز و مسلح بودند. سوسیال دموکرات‌های قفقاز در تبریز یک آزمایشگاه تهیه بمب تأسیس کردند. کمیته مرکزی انقلاب ایران و سوسیال دموکرات‌های قفقاز، نمایندگان تشکیلاتی به دهات فرستادند.

فرقه داشناکسون (فرقه ناسیونالیست بورژوازی ارامنه) با تمایلات سوسیالیستی، در اوایل از شرکت در حرکت‌های انقلابی خودداری می‌کردند، ولی چندی بعد به انقلابیون ایران پیوستند. این فعالیت‌ها منجر به نهضت مشروطیت که پدیده تاریخی مهم و پیچیده‌ای بود، گردید. این حرکت اجتماعی، همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی به وجود آمد که طبقات اجتماعی

مختلف با افق اجتماعی گوناگون در آن شرکت کرده و پایه ایدئولوژی‌اش را دموکراسی سیاسی می‌ساختند. در تشکیل این حرکت تاریخی دو عامل اساسی را می‌توان نام برد: یکی، ورشکستگی و وازدگی نظام سیاسی و دیگری بحران مالی.

ورشکستگی نظام حکمرانی آمیخته با بحران مالی - به ایدئولوژی مشروطه‌خواهی نیروی تازه‌ای بخشید، نیرویی که حرکت اجتماعی را محق گردانید، از عوامل اساسی مادی و فکری به کنار، تأثیر عاطفی برخی حوادث تاریخی هم‌زمان را نباید در برانگیختن احساسات عمومی نادیده گرفت. از آن جمله، شکست روس از ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵ روس که به دنبال آن پدید آمد. در نوشته‌های رسمی به نفوذ این دو حادثه در روانشناسی اجتماعی ایرانیان تأکید زیادی شده است، به‌ویژه با پیروزی ژاپن، از حرمت اروپائیان نزد ایرانیان کاسته شد و ایرانیان متوجه شدند که دولت روسیه را می‌توان شکست داد.

شایان‌ذکر است که در سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ حرکت‌های انقلابی در شمال ایران و در مجاورت روسیه (آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان) گسترش یافت که بعدها به جنوب ایران نیز کشیده شد. حرکت روستائیان شکل‌های متفاوتی داشت، گسترده‌ترین شکل آن، خودداری کردن مردم از پرداخت مالیات و پرداخت سهم محصول به اربابان و عدم اجرای وظایف مختلف و عدم اطاعت از حکومت‌های شاهی بود. حمله دهقانان به املاک خان‌های اربابی زیادتر شد، دهقانان ذخیره غذایی خان را گرفتند و آن‌ها را میان فقرا تقسیم کردند.

در گزارشات دیپلمات‌های روسی از ایران، در طول یک سال انقلاب ایران می‌توان بسیاری از اخبار را در حرکات دهقانی یافت.

شهرهای ایران در انقلاب (۱۹۰۵-۱۹۱۱) خیلی بیشتر از روستاها دچار تحولات و حرکت‌های انقلابی شده بود و اعتراضات کارگری شروع به شکل گرفتن نمود. اعتراضات پی‌درپی کارگری که در کارخانه‌های کوچک صنایع‌دستی کار می‌کردند (در آن زمان صنایع بزرگ وجود نداشت) و در شرایط بسیار سخت اقتصادی و سیاسی به سر می‌بردند، حضور فعال مردم تبریز برای تدوین و تنظیم قانون اساسی و به‌ویژه

اعتصابات پائیز ۱۹۰۶، قیام مردم تبریز ۱۹۰۹-۱۹۰۸، قیام رشت ۱۹۰۹ و... همه حاکی از رشد تفکر سیاسی و اجتماعی مردم ایران در آن برهه از تاریخ بود. از بدو شروع انقلاب، دو طرز تفکر مشاهده می‌شد، یکی طرز تفکر گروه تندرو و سوسیالیست و دیگری گروه میانه‌روها بودند که بیشتر تحت تأثیر عقاید ملی و مذهبی قرار داشتند و در واقع این گروه، طبقه متوسط و روشنفکران جامعه بودند. در ۱۹۰۵ حزب همت توسط عده‌ای از رهبران بلشویک محلی از جمله استالین، عزیز بیکف و زاپارادزه تشکیل شد. در اوایل حزب همت تحت نفوذ بلشویک‌ها که در باکو قوی بودند قرار داشت، ولی رهبری بلشویک‌ها چندان به طول نینجامید و گروه منشویک که نسبتاً میانه‌روتر بود، مسلط شدند. همت به‌مرور حزب بزرگی شد و دامنه فعالیت‌های آن گسترش یافته و از طریق حزب اجتماعیون عامیون به ایران نیز وارد شد.

اعضاء این حزب را روشنفکران طبقه متوسط و اشراف و کارگران و بورژوازی تشکیل می‌دادند. شایان‌ذکر است که این حزب و حزب همت تا مدت‌ها رابطه خود را با حزب ملیون مسلمان روسیه قطع نکرد. حزب اجتماعیون عامیون در بین ایرانیان ساکن باکو نقش بسیار مؤثری ایفا کرد و در شهرهای پتروفسک، قارص، باکو، تفلیس و ایروان شعبه داشت.

در تبریز نیز آزادیخواهان حزبی به نام مجاهد که دارای کمیته سری و کوچک‌تری بنام «مرکز غیبی» بود، تشکیل دادند. عنوان شده است که برنامه آن، برگردانی از برنامه اجتماعیون قفقاز بود و در گیلان نیز مردم با اجتماعیون عامیون ارتباط داشتند. حیدر خان عمواوغلی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ در مشهد فعالیت حزبی داشته و عنوان نموده‌اند که دستور تشکیل حزب و نحوه فعالیت را از روسیه گرفته است، ولی حیدر خان تنها یک عضو، آن هم ابراهیم میلانی را یافته و پس از رجب ۱۳۲۵ مشهد را به قصد تهران ترک کرده و فعالیت‌های خود را در تهران ادامه داد؛ اما ظاهراً ملک-الشعراى بهار عده‌ای از روشنفکران را جمع نموده و کمیته‌ای را تشکیل داده و با شعار: عدالت - مساوات و آزادی، برنامه‌های حزبی مشهد را نوشته است. البته برنامه حزبی

مشهد از بسیاری جهات نسبت به برنامه حزبی باکو میانه‌روتر بوده و بدون شک، با در نظر گرفتن وضع خاص ایران، تهیه شده است.

ضمناً در تاریخ مشروطیت و سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۶، ملک‌زاده نام ۱۵ نفر از اعضای کمیته انقلاب را بیان نموده است که هدف از تشکیل این کمیته، تحکیم مشروطه و مجلس بود.

اعضای آن، ملک‌المتکلمین پدر ملک‌زاده، سید جمال واعظ، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، سید محمدرضا مساوات، تقی زاده، حکیم الملک، سید برهان‌الدین خلخالی، سید جلیل اردبیلی، سلمان خان میکده، حسن ملی خان نواب، میرزا علی اکبر خان دهخدا، میرزا ابراهیم آقا، میرزا داود علی‌آبادی، ادیب‌السلطنه سمیعی، نصرت السلطان و معاضد السلطنه بودند.

این کمیته اجرائی سری، بدون شک همان حوزه کوچکی است که حیدر خان عمو اوغلی به آن اشاره کرده است.

در اوایل انقلاب مشروطه، مردم ایران به دودسته تقسیم شدند: آنان که از انقلاب پشتیبانی می‌کردند و گروهی که مخالف بودند. موافقین نیز به دودسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای که خواهان سازش و میانه‌روی بودند و عده‌ای که خواهان یک انقلاب واقعی و تغییرات بنیادی بودند.

در سال ۱۹۰۷ در ایران اولین گروه‌های سوسیال دموکرات تشکیل شد. سازمان‌دهی اجتماع مجاهدین، غیرقانونی بود. این سازمان شدیداً تحت تأثیر جنبش انقلابی روسیه قرار داشت و از طریق سازمان «گومت»^۱ با بلشویک‌های ماوراء قفقاز مرتبط بودند. موقعیت تبریز در آن سال‌ها بسیار حساس بود، سفیر روسیه در ایران «گارتویگ» در گزارش خود در پترزبورگ، موقعیت تبریز را در اواخر جولای ۱۹۰۷ این‌گونه تشریح نموده است:

«درواقع اخیراً تمام قدرت در دست انجمن بومی قرار گرفته، بانفوذترین انجمن در ایران که در تهران شعبه دارد و تمام نمایندگان مجلس به صدای آن گوش فرا می‌دهند، به دنبال انجمن تبریز تشکیل شده است. فعالیت‌های این انجمن در شمال و سپس در جنوب، تهران، رشت، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمان، بندر بوشهر، بندرعباس، سیستان و غیره ادامه و استمرار پیدا می‌کند.»

فقط در تهران، حدود ۱۴۰ انجمن وجود داشت. در کنار انجمن‌های شهری و منطقه‌ای که کار را در سطح شهر یا منطقه انجام می‌دادند، انجمن‌هایی از نوع کلوپ‌های سیاسی اتحادیه‌های صنفی، پناهگاه‌ها، انجمن‌های مختلف و ... در کشور به وجود آمده بودند و انجمن‌ها وسیع‌ترین قشر گروه‌های مردمی را دربر داشتند. در جیرفت (استان کرمان) به‌عنوان مثال، انجمن‌های مهاجرین و بردگان آزاد تشکیل شد. در تهران انجمن خدمتکاران کنسول‌خانه و سفارتخانه‌های خارجی وجود داشت، در لنگه (در سواحل خلیج فارس) انجمن‌های سنی و شیعه و غیره تشکیل شدند. عناصر مرتجع از این نوع سازمان‌ها استفاده بردند و در برابر انجمن‌های دمکراتیکی - انقلابی، انجمن‌های ارتجاعی نیز شروع به فعالیت نمودند و به همین ترتیب شاهدگان قاجاریه، انجمن «قاجاریه» را تشکیل دادند. در بسیاری از شهرهای ایران، انجمن‌هایی از اربابان، تاجران بزرگ و صاحبان قدرت تشکیل شده و سازمان‌دهی شدند که البته این انجمن‌ها برای همکاری با قدرت‌های شاهی و ضد انجمن‌های انقلابی - دمکراتیکی وارد عمل شدند و در همین سال‌های انقلاب ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶) به مطبوعات گسترش و توسعه وسیعی پیدا کرد. در اولین سال‌های انقلاب تا کودتای ضدانقلابی سال ۱۹۰۸ در ایران، بیش از ۱۵۰ روزنامه و مجله چاپ شد. پس از سرنگونی محمدشاه در سال ۱۹۰۹، در کشور بیش از ۱۰۰ روزنامه به چاپ رسید. روزنامه‌ها و مجلات نه تنها در تهران و دیگر شهرهای بزرگ استان‌ها مانند تبریز، رشت، مشهد، اصفهان و شیراز، بلکه در بسیاری از کم‌اهمیت‌ترین شهرها مانند همدان، یزد، کرمان، اردبیل خوی و غیره به چاپ رسیده و منتشر شدند. یکی از محبوب‌ترین روزنامه‌ها، صوراسرافیل «شپیور اسرافیل» تیراژ ۵۵۰۰ نسخه داشت. روزنامه تبریزی «انجمن» به تعداد ۵ هزار نسخه چاپ شد. نشر مجلات و روزنامه‌های طنزگونه در سال‌های انقلاب گسترش بسیار

زیادی یافت، طرفداران هجوی و طنزی که به وقایع سیاسی روز پاسخ می‌دادند، روزبه‌روز بیشتر شدند. به‌ویژه مقاله هجوی و روزنامه‌های ایران، برعلیه اسارت زنها و استعمال تریاک و... اعتراض کرده و در این زمینه مقالاتی به چاپ می‌رساندند. از سال ۱۹۰۶، در شمال ایران به‌طور خیلی وسیع و حتی در تهران مجله فکاهی «ملانصرالدین» به زبان شیرین آذربایجانی در تفلیس انتشار یافت. این مجله حوادث ایران را به طرز بسیار جالبی ترسیم نموده و پاسخ می‌داد و طرفداران بسیار زیادی پیدا کرده بود.

مجموعاً مطبوعات ایرانی در زمان انقلاب مشروطیت نقش مهمی را در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم ایران بازی کردند و در شکل‌گیری افکار اجتماعی و ارتقاء سطح خرد سیاسی ملت ایران تأثیر بسزایی داشتند. نشریات در واقع سلاح قوی مردم آزادیخواه در جنگ علیه امپریالیسم و استبداد بودند.

گلناز سعیدی

آذرماه ۱۳۷۹



فصل اول

نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵

۱. ایران در آستانه انقلاب ۱۹۰۵

در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، نفوذ و تأثیر غرب، به دو شیوه متفاوت، روابط سست و شکننده دولت قاجار با جامعه ایران را تضعیف کرد. نفوذ غرب، به ویژه نفوذ اقتصادی، بیشتر بازارهای شهری را تهدید کرده و به تدریج تجار و بازرگانان پراکنده محلی را در قالب طبقه متوسط فرامحلی یکپارچه ساخت. طبقه‌ای که اعضای آن برای نخستین بار از دردها و مشکلات مشترک خود آگاه شده بودند. این طبقه متمول، به لحاظ پیوندهایش با اقتصاد سنتی و ایدئولوژی سنتی تشیع، در سال‌های بعد به طبقه متوسط سنتی معروف شد. دوم برخورد و ارتباط با غرب به ویژه تماس فکری و ایدئولوژیکی از طریق نهادهای نوین آموزشی، زمینه رواج مفاهیم و اندیشه‌های جدید، گرایش‌های نو و مشاغل جدید را فراهم ساخت و طبقه متوسط حرفه جدیدی به نام طبقه روشنفکر به وجود آورد. جهان‌بینی این روشنفکران تحصیل‌کرده جدید با اندیشه‌های روشنفکران قدیم درباری تفاوت‌های بنیادی داشت. آنان نه به حق الهی پادشاهان، بلکه به حقوق واگذار ناشدنی فرد معتقد بودند. نه مزایای استبداد سلطنتی

و محافظه‌کاری سیاسی، بلکه اصول امپریالیسم، ناسیونالیسم و حتی سوسیالیسم را تبلیغ می‌کردند. آنان به تکریم ظل الله‌های روی زمین نمی‌پرداختند. بلکه اصول برابری، آزادی و برادری را می‌ستودند. افزون بر این، آنان نه تنها واژه‌های غربی بسیاری مانند فئودال، پارلمان، سوسیال، دموکرات و اریستوکرات را به فرهنگ سیاسی جامعه وارد کردند، بلکه به بیشتر عبارات قدیمی نیز معانی دیگر بخشیدند به‌عنوان نمونه، معنای استبداد از «پادشاهی» به «پادشاهی مستبد»، مفهوم ملت از «جامعه دینی» به مفهوم غیردینی «ملیت» و مفهوم مردم از «مردم» بدون معنای سیاسی به «مردم» دارای معنای ضمنی دموکراتیک و میهن‌پرستانه تغییر یافت. همین مفاهیم تندروری طبقه تحصیل‌کرده جدید عقاید شیعی ضد دولتی و طبقه متوسط سنتی بود که سرانجام پیروزی انقلاب مشروطه را ممکن ساخت.^۱ تأثیر و نفوذ غرب از سال ۱۸۰۰ م. با فشار نظامی روس و سپس انگلیس آغاز شد. روس‌ها که به سلاح‌های جدید مجهز بودند با عبور از آسیای مرکزی و قفقاز، نیروی متفرق قبیله‌ای ایران را به‌آسانی شکست دادند و معاهده‌های خفت‌بار، گلستان ۱۸۱۳/۱۱۹۲ و ترکمانچای ۱۸۲۸/۱۲۰۹ را به ایران تحمیل کردند. بریتانیا که می‌خواست از روس‌ها عقب‌نماند و از افغانستان به‌عنوان منطقه‌ای حائل در برابر تزارها و پادشاهان قاجار استفاده کند، نواحی جنوب ایران را اشغال کرد و قرارداد پاریس را به ناصرالدین‌شاه قبولاند. شاهان قاجار در نتیجه این قراردادها، تبریز و نواحی جنوبی را باز پس گرفتند. در مقابل، گرجستان، ارمنستان و حق کشتیرانی در دریای خزر را، ایران از دست داد و از همه ادعاهای خود نسبت به افغانستان چشم پوشید و غرامتی به مبلغ ۳۰۰ پوند به تزار پرداخت و مهم‌تر از همه اینکه رشته‌ای از امتیازات تجاری را به روسیه و بریتانیا واگذار کرد. با این‌گونه امتیازات، دو قدرت توانستند هر جا که بخواهند مراکز کنسولی و تجاری دایر کنند و تجار خود را از مشکلاتی مانند پرداخت‌های زیاد گمرکی، تعرفه‌های داخلی، محدودیت‌های مسافرت داخلی و قضاوت دادگاه‌های شرعی آسوده کنند.

۱. پرواند آبراهامیان، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۸، تهران، چاپ سوم، ص ۶۵ و ۶۶

در نیمه دوم قرن ۱۹، مترادف با خرابی وضع اقتصادی دهقانان، در اوضاع اجتماعی اقشار مختلف مردم نیز تغییراتی حاصل شد، قوانین شرع که دهقان را مورد حمایت قرار می‌داد، از بین رفت و دهقانانی که در ملک «مالک» مشغول به کار بودند، متحمل انواع جور و ستم شدند.

کمبود پول، بحران‌های مالی زیادی ایجاد نمود. صاحبان اسکناس‌های دولتی بارها شورش کرده و برای تعویض پول‌های کاغذی خود به نقره به صندوق‌های بانک هجوم آوردند.^۱

دهقانان، گاهی از دست ستمکاران، پیش مجتهدین بزرگ نجف و کربلا و مشهد شکایت می‌بردند و زمانی چشم‌انتظار کمک مجتهدین محلی بودند.

مقدار مالیات نیز روز بروز در حال افزایش بود. در سال ۱۹۰۰ خزانه سلطنتی تهی شده بود و وزرای ایران را برای اتخاذ تصمیم‌های نوینی به تکاپو انداخت. از این‌رو سالی دو بار فرمانداران را تعویض نموده و حاکم جدید را موظف به تقدیم پیش‌کشی به صدراعظم می‌کردند. حاکم نیز که علاقه‌ای به تقدیم هدایا از جیب شخص خود نداشت، پول مزبور را از ملاکین محل مأموریت خود، مطالبه می‌کرد. ملاکین نیز که مشمول مالیات دوجانبه شده بودند، بر دهقانان فشار آورده، آنان را از هستی ساقط کرده و به گدائی انداختند. بعد از این، دهقانان برای دفاع از حقوق عمومی خود، در غالب نقاط با شهرنشینان هم‌آواز شده، دست همبستگی با آنان دادند، در سال ۱۹۰۵ در اغلب دهات، دهقانان، مباشرین را رانده و از پرداخت مالیات خودداری کرده و در دهات شروع به تشکیل انجمن‌های محلی نمودند. مأمورین دولتی و مالکین و مباشرین جرأت ورود به این دهات را نداشتند. انجمن‌های محلی برای تأمین مخارج دولتی، یک پانزدهم محصول زمین دیمی را جمع‌آوری کرده به انجمن‌های شهر فرستادند. به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که دهقانان ایران در آستانه انقلاب، وضع رقت باری داشتند. ده‌نشینان با از دست دادن زمین زراعتی، فقیر و مستأصل شده و تابع کامل مالکین شدند. مالکین نیز به نوبه خود اراضی قابل استفاده کشور را متصرف شده و با

شدت بی‌مانندی در استثمار دهقانان می‌کوشیدند. بدین ترتیب زندگی برای دهقانان غیرقابل تحمل شده بود.

تیگراف مأمور تزار در کتاب (وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران) می‌نویسد: در ضمن سیاحت در آذربایجان، تمام دهقانان از من می‌پرسیدند: «چه وقت آذربایجان به روسیه ملحق می‌شود؟»

بدون شبهه، در این اظهارات مبالغه زیادی شده است، ولی قدر مسلم آن است که نهضت انقلابی ۱۹۱۰-۱۹۰۸ ایران، ضربه‌های غیرقابل جبرانی به نقشه‌های عمال تزاری وارد آورده و آنان را مفتضح ساخت.^۱

در سده نوزدهم، رشد شهرها و افزایش تولید، کارخانه‌های نه‌چندان بزرگ و کارگاه‌هایی با تمرکز بزرگ نیروی کارگری، تجارتخانه‌ها و شرکت‌های بازرگانی، پدید آمدند. نیروی تازه اجتماعی نیز پدیدار شدند: کارمندان و بورژوازی ملی، نخستین سازمان‌های سیاسی، انجمن‌ها و احزاب هم در همین دوران زاده شدند. لایه‌های نوخاسته شهرها، آورانگان اساسی آرمان‌های روشنگری ایدئولوژی ناسیونالیسم بورژوازی بودند. از نیمه دوم سده نوزدهم بود که روحانیت شهرها، با تلاشی بیشتر در مبارزات سیاسی وارد شدند و کوشیدند با ایدئولوژی برخی از جنبش‌های مردمی همراه و همگام باشند.

انقلاب سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روس به اعتلای جنبش انقلابی در ایران در سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۵ (انقلاب مشروطیت - م) کمک زیادی نمود. انقلاب سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۵ دارای ویژگی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی و علیه نظام فئودالی خودکامگی و فرمانروایی انحصارهای بیگانه بود. دهقانان بورژوازی خرد و میانه‌حال شهرها و نیز طبقه کارگر که در آن هنگام تشکیل یافته بود، نیروی محرکه این انقلاب بودند. در پی رخدادهای انقلابی بود که در سال ۱۹۰۶ مجلسی در کشور پدید آمد و

۱. م. پاولویچ ایرانسکی، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م. هوشیار، ۱۳۳۰، تهران، ص ۱۰.

در آن، قانون اساسی که قدرت شاه را محدود می‌کرد و تصویب اصلاحات بورژوازی اعلام شد.

اما این انقلاب، دگرگونی‌هایی نمایان در ساخت اجتماعی - اقتصادی ایران پدید نیاورد. مسئله زمین را که برای دهقانان کشور مهم‌تر از هر چیز بود، حل نکرد. تنها می‌توان گفت که مناسبات فئودالی را همچنان از تعرض مصون نگاه داشت. باین‌همه، این انقلاب نشانی ژرف در زندگی مردم به‌جای گذاشت. خرد سیاسی آن‌ها را بیدار کرد و آنان را به مبارزه علیه خودکامگی فئودالی و قدرت‌های بیگانه که در کشور فعال مایشاء بودند، برانگیخت. مجلس، پس از سرکوبی انقلاب هم به کار خود ادامه داد. اما، حکومتی که در پی جنبش مشروطه‌خواهی پدید آمده بود، توان آن را نداشت که به انجام اصلاحات بورژوازی ادامه دهد و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را از میان بردارد.

سرمایه‌داری بیگانه با پشتیبانی از شاهزاده‌های قاجار که تکیه‌گاه فئودالیسم بود، به حفظ نظام فئودالی در ایران یاری می‌کرد. تأثیر منفی دولت‌های امپریالیستی بر ایران، رشد کشور را بازمی‌داشت و به حفظ و ثبات نهادهای فئودالی تداوم می‌بخشید. از این‌رو، بازنگری مسائل تاریخ نوین ایران به‌منظور شناخت ماهیت کشور و بررسی دگرگونی‌های آینده‌ایران حائز اهمیت بسیار خواهد بود.^۱

اواخر سال ۱۹۰۵ م / ۱۲۸۴ ه. ش / ۱۳۲۳ ه. ق جنبش‌های مردم ایران که پیش از آن به‌صورت مقطعی اتفاق می‌افتاد، یک‌باره به صورت مخالفت آشکار با دولت حاکم در آمد. پیش از همه روحانیون طراز اول به مخالفت با عین‌الدوله^۲ نخست‌وزیر وقت

۱. ن. آ. کوزانتسوا، اوضاع سیاسی و اقتصادی اجتماعی ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۵۸، ص ۳۵.

۲. عین‌الدوله: شاهزاده میرآخور امیر تومان، شازده اتابک، سلطان عبدالمجید میرزا، پسر سلطان احمد میرزا عضد الدوله (پسر چهل و هشتم فتحعلی شاه قاجار)، منشی، میرآخور و داماد مظفرالدین میرزا و ولیعهد شاه (شاه بعدی) پیشکار آذربایجان، حاکم مازندران، والی لرستان، صدراعظم ایران، حاکم تبریز،... به روزگار صدارت او، احمدخان علاءالدوله؛ فرماندار تهران، بازرگانان قند فروش را به چوب‌بست و کالاهای آنان را به دیگران بخشید و از سوی دیگر، به مردم تیراندازی کرد و چند تن، از آن شمار، یک طلبه کشته شدند و آتشی شورش مردم از همین‌جا زبانه کشید و سرآغاز انقلاب شد. عین‌الدوله به سال ۱۳۰۶ ش درگذشت. (برای اطلاعات بیشتر، به کتاب اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران، ترجمه سیروس ایزدی، مراجعه شود.)

برخاستند و رئیس دولت را متهم کردند که از راه چپاول دارائی عمومی ملت ایران، ثروت فراوانی را برای خود فراهم نموده است. مخالفت و نارضایتی شدیدی در میان جامعه روحانیون ایران، به‌ویژه روحانیون تهران به چشم می‌خورد. شورش و عصیان در میان مردم، دستگیری و اعمال ضرب و شتم بی‌رحمانه نسبت به پیرمردی سید به دستور حاکم تهران از جمله حوادثی بود که باعث بروز مخالفت و آشوب بزرگی در پایتخت شد. در دسامبر سال ۱۹۰۵ چند تن از مجتهدین برجسته در حرم شاه عبدالعظیم که در حومه تهران واقع است، بست نشستند (متحصن شدند) و از آنجا پیامی خطاب به ملت ایران فرستادند و در آن پیام، ایرانیان را به وطن‌دوستی دعوت کرده، دولت را به‌عنوان مسبب کلیه بدبختی‌های کشور معرفی نمودند و خواستار مداخله نمایندگان مردم در اداره امور کشور و انجام اصلاحاتی در کارها شدند.

مظفرالدین شاه، چون دید که موج مخالفت و جنبش مردم با بست نشستن (تحصن) روحانیون گسترش روزافزونی یافته است، در اوایل ژانویه ۱۹۰۶ م / دی ۱۲۸۴، ذی‌قعدة ۱۳۲۳ با تأسیس «عدالت‌خانه» موافقت کرد تا منتخبین مردم از سراسر کشور در آن گرد هم آیند و به اداره امور مملکت و شیوه کار سازمان دولت نظارت کنند. گویا این تصمیم مجتهدین را راضی ساخت تا آنان با حالت پیروزمندانه به تهران بازگردند.

در اواسط مارس ۱۹۰۶ (اواخر مارس ۱۹۰۶، اوایل فروردین ۱۲۸۵، اوایل صفر ۱۳۲۴) یک کمیسیون دولتی با شرکت چند تن از مجتهدین جهت تنظیم برنامه اصلاحات فراهم آمد که نخستین جلسه آن در ۱۷ آوریل (۳۰ آوریل ۱۹۰۶، ۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۵، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۴) برگزار شد. پس از آن، به امر شاه، کار تنظیم پیش‌نویس قوانین به هفت نفر که از نظر تحصیلات معروف بودند (احتشام السلطنه، محتشم السلطنه، صنیع‌الدوله مخبر السلطنه، علاء‌الملک، مشیر الملک، مؤتمن الملک و حسین‌خان) محول شد. اما کار این کمیسیون به‌کندی پیش می‌رفت، مخالفت و جنبش در تهران از سر گرفته شد. فشار حملات مخالفین و ناراضیان بیشتر متوجه شاهزاده عین‌الدوله بود که وی را دشمن تحولات و اصلاحات می‌شمردند. باآنکه دولت پیش از حوادث مذکور، برخی از مقامات طرفدار اصلاحات را از تهران دور کرده بود،

در اواخر ژوئن (اوایل ژوئیه ۱۹۰۶، اواسط تیر ۱۲۸۵، اواسط جمادی‌الاول ۱۳۲۴) نیز تصمیم به دستگیری شیخ محمد، واعظ معروف و یکی از اعضاء برجسته حزب اصلاحات گرفت. اقدام دولت برای دستگیری این فرد، باعث برخورد خونینی بین روحانیون و مأمورین دولتی شد.

از آنجاکه در میان کشته‌شدگان این حادثه، سیدی (سید عبدالحمید) نیز وجود داشت، روحانیون تبلیغات شدیدی در میان مردم شهر علیه دولت به راه انداخته و خواهان بستن دکان‌ها شدند، سپس به مساجد پناه برده و بیان‌های منتشر ساختند و مردم را برای ساقط کردن سریع عین الدوله اتابک اعظم و وزراء برانگیختند. به‌زودی روحانیون به قم رفته، از آنجا پیامی خطاب به ملت انتشار داده، یادآور شدند چنانچه شاه به انجام اصلاحات نپردازد و اتابک اعظم (عین الدوله) را برکنار نکند، آن‌ها به کربلا رفته و مردم پایتخت را از امکان برآورده شدن نیازهای مذهبی‌شان محروم خواهند ساخت در تهران هیجان همچنان حاکم بود و آشفتگی و اغتشاش بی‌وقفه ادامه داشت و سرانجام منجر به این شد که در اوایل ژوئیه (اواخر ژوئیه ۱۹۰۶، اوایل مرداد ۱۲۸۵، اواخر جمادی‌الاول ۱۳۲۴) حدود ۱۴ هزار نفر در مقابل سفارت‌خانه بریتانیا بست نشستند.^۱

۲. تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، از زبان ناظم الاسلام کرمانی

روز شنبه ۲۷ جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ هجری - امروز مجلس در مدرسه نظامیه برپا شد، قریب سه چهار هزار نفر جمعیت در مجلس و خارج مجلس جمع شدند که تعداد پانصد نفر از علماء و ابنا سلطنت و نایب‌السلطنه در مجلس نشستند بودند صدراعظم بعد از پذیرایی برخاست و لایحه خواند. اهل مجلس به احترام و تشکر از این مجلس برخاستند.

۱. اسناد محرمانه وزارت خارجه روسیه تزاری، درباره وقایع مشروطیت ایران، کتاب نارنجی، جلد اول، ظل السلطان و محمدعلی شاه رودرو، ترجمه حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیری، نشر پرواز، ۱۳۶۶ تهران، ص. ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷.

بعد از قرائت لایحه صدراعظم، جناب حاج شیخ مهدی سلطان المتکلمین برخاست و از طرف ملت لایحه خواند. سپس یک طاقه شال ترمه کشمیری خلعت داد به جناب حاج شیخ مهدی. حضرات واردین که برحسب دعوت‌نامه دولتی حاضر بودند، صرف شربت و شیرینی نموده، جناب اجل عضد الملک از طرف اعلیحضرت اظهار محبت به مردم نموده، پس از اتمام لایحه ملت، عموم حضار صداها را به «زنده باد ملت، شاه ایرانیان و پاینده باد ملت ایران» بلند کردند و صرف شربت و شیرینی نموده با خاطره‌های شاد متفرق گشتند.^۱

به گفته احتشام السلطنه (اولین رئیس مجلس): «مجلس هم مرکب از جماعتی مردمان مختلف الشكل مختلف العقیده با تعدادی از علماء و جماعتی از اصناف بی‌خبر از همه‌چیز و همه‌جا و جمعی افراد معترض تشکیل یافته بود. در آن میان عده خیلی قلیل مردمانی بودند که بالنسبه اطلاعات مختصر و سطحی داشتند و خود را به شکل مردم فرنگ درآورده بودند.»^۲

تا سخن از قانون و نظامنامه اساسی نبود، کمتر اختلافی میان نمایندگان و دیگران پیدا می‌شد، اما از آن‌گاه که مجلس تصمیم به تدوین قانون اساسی و تنظیم آن گرفت و کمسیون را در همین رابطه از پیش انتخاب کرده و نگارش پیش‌نویس قانون اساسی را به ایشان سپرد و با ترتیبی که گروه مذکور از ترجمه دیگر قوانین جهان به دست آورد، اختلاف میان نویسندگان و مترجمین قانون اساسی و روحانیون مجلس آغاز گردید. روحانیون که از قانون شریعت طرفداری و حصول آن را در تدوین قانون جدید، آن هم اتخاذ شده از قوانین کشورهای غربی بی‌نیاز دیدند، خواستار اجرای همان احکام در قالب مقررات جدید و متناسب با شرایط موجود بودند. برعکس روشنفکران مشروطه‌خواه شرط تناسب و پذیرش نظامنامه اساسی کشور را در ترجمه و تطابق آن با دیگر قوانین کشورهای مشروطه می‌دانستند، این اختلاف در خاستگاه که منشأ

۱. ناظم الاسلام کرمانی (سیرجانی)، تاریخ بیداری ایرانیان، جلد اول، تهران، انتشارات آگاه، نوین، ۱۳۶۲، ص ۵۷۴.

۲. مهدی انصاری، شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه) امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.